



برابری

پدیدآورنده (ها) : هاشمی، رضا

ادیان، مذاهب و عرفان :: دانشنامه جهان اسلام :: جلد ۲ (باکالیجاروکوهی - بربه)

صفحات : از ۵۸۴ تا ۵۹۰

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1706772>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۰/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- برابری نقش زنان و مردان کلید موفقیت تعاونیها در هزاره سوم
- حوزه فقه نکاح: بررسی فقهی برابری زن و مرد در ازدواج
- جایگاه توان اندیشه‌ورزی و برابری ذاتی انسان‌ها در عدالت اجتماعی
- جایگاه مفهوم لوگوس در اندیشه برابری و نظام جهانی رواقی
- اسلام دین آزادی و برابری است
- نقد دیدگاه فمینیسم لیبرال در زمینه برابری زن و مرد از منظر قرآن و روایات - مبانی انسان شناختی تعلیم و تربیت اسلامی -
- برابری قدرت خرید و محاسبه آن به روش EKS
- تأملی بر مفهوم برابری در اندیشه خیرگان قانون اساسی (۱۳۵۸)
- مدل تاثیر رسانه های اجتماعی بر روی تمایل به برابری جنسیتی در میان زنان ایرانی
- مطالعه ای پیرامون چگونگی برابری جنسیتی در آموزش و ارتقای امنیت روانی زنان جامعه ایران از طریق آموزشهای مجازی

منابع: [باقت حموی، معجم البلدان، چاپ ووستنفلد، لایپزیگ ۱۸۶۶-۱۸۷۳]

J. L. Burckhardt, *Travels in Nubia*, London 1819; (وضعیت برابره در اوایل قرن نوزدهم بتفصیل در این اثر آمده است).
E. W. Lane, *An Arabic-English lexicon*, London 1863-1893, repr. New York 1955-1956; H.A. MacMichael, *A history of the Arabs in the Sudan*, Cambridge 1922, I, 12-34, 155-190 and index; Maḳrīzī, *al-Bayān wa'l-Ġ'rāb 'ammā bi-arḍ Miṣr min al-A'rāb*, ed. and tr. F. Wüstenfeld, *El-Macrizi's Abhandlung über die in Aegypten angewanderten arabischen Stämme*, in *Göttinger Studien*, II, VII, Göttingen 1847; J.S. Trimmingham, *Islam in the Sudan*, London 1949.
/ پ. هولت (د. اسلام) /

برابری، نظریه‌ای بر پایهٔ اعتقاد به همانند بودن انسانها از جنبهٔ وجودی و در نتیجه، لزوم رفتار یکسان با آنها. تأکید بر برابری انسانها با یکدیگر پیشینه‌ای طولانی دارد، ولی در چند قرن گذشته، بویژه بعد از انقلاب فرانسه و دورهٔ روشنگری، این اندیشه به نیرویی عمده برای تغییرات اساسی در حقوق عمومی و سیاسی در اروپا و شمال امریکا تبدیل شده و بتدریج بر کشورهای غیر اروپایی نیز اثر گذاشته است (فرهنگ تاریخ عقاید^۱، ذیل «برابری»^۲). در دهه‌های اخیر، مجامع بین‌المللی، به منظور تأکید بر برابری انسانها با قطع نظر از نژاد، رنگ، طبقهٔ اجتماعی، مذهب، ثروت، مقام، جنس و جز اینها، چندین مقاله نامه و اعلامیه، تصویب کرده‌اند (مدنی، ج ۷، ص ۳۹-۴۳).

آنچه در اندیشهٔ برابری از دیر باز مطرح می‌شده، جنبهٔ نظری آن بوده است. بانوجه به این که امور در ظاهر با یکدیگر تفاوت‌های محسوسی دارند، اعتقاد به برابری، مستلزم فرعی دانستن تفاوتها و یکسان دیدن این اشیای بظاهر متفاوت و متنوع از نگاهی کلی است. با توجه به این نکتهٔ مهم که «برابری حکم می‌کند تا افراد همسان از حقوق همسان برخوردار شوند» (ارسطو، ص ۳۱۳)، پرسش جدی این است که وجود تفاوت‌های بسیار در نژاد، رنگ، خصوصیات محیطی، وضع تاریخی و سیاسی و مالی، بهره‌هوشی، قابلیت فنی، ویژگیهای جسمی و سایر تفاوت‌های میان انسانها، و نیز با تمایزهایی که در مراحل مختلف زندگی برای آنها پیش می‌آید (مانند کسب مهارت، موفقیت در امتحان، شهروندی یا بیگانه بودن، التزام به قانون، و فضیلت‌های اخلاقی)، آیا همهٔ انسانها باید در یک گروه قرار گیرند

و قوانین و امکانات و فرصتها برای همهٔ آنها یکسان باشد، یا آنکه در طبقات و گروههای متعدد دسته‌بندی شوند و با افراد هر طبقه و گروه یکسان برخورد شود (فرهنگ تاریخ عقاید^۱، همانجا). این پرسش، بویژه از آنرو که با عدالت ارتباط دارد، حایز اهمیت است. ارسطو (همانجا) با تصریح بر اینکه «هیچ حکومتی نباید، مگر آنکه بر پایهٔ دادگری استوار باشد»، تمایز بین برخی گروههای اجتماع را ضروری می‌داند، و نیز باور داشت که کسانی «بطبع، سزاوار بندگی‌اند» و بنابراین، بر آن بود که یونانیان می‌توانند آنان را به زیر فرمان آورند (همان، ص ۳۱۷). این نظر او بدان معنا بود که برابری همهٔ انسانها در برخورداری از مواهب اجتماعی و سیاسی عادلانه نیست. سن سیمون^۲، فیلسوف فرانسوی (۱۷۶۰-۱۸۲۵)، نیز با این استدلال که نابرابری به صورت مشهود در طبیعت وجود دارد و هماهنگی با طبیعت لازم است، از نابرابری انسانها در زندگی اجتماعی دفاع می‌کرد و البته، بر لزوم برابری فرصتها به منظور رشد دادن استعدادها تأکید می‌ورزید (فرهنگ تاریخ عقاید^۱، ذیل «طبقه»^۳). اما برای مثال، در دیدگاه مسیحیت، همهٔ انسانها از آنرو که آفریدگان خدا هستند، همسان تلقی می‌شدند؛ یا حقوقدانان رومی، انسانها را از لحاظ جوهر برابر می‌دانستند؛ و همین تلقی بود که در اعلامیهٔ حقوق بشر در ۱۹۴۸ تجلی کرد (همان، ذیل «برابری»).

در هر حال، اعتقاد به برابری غالباً به منزلهٔ نادیده گرفتن یا کوچک شمردن برخی تفاوتها و اصلی دانستن و بزرگ شمردن برخی دیگر است؛ مثلاً ممکن است اختلاف نژادی یا قومی را اصل بگیرند و فقط افراد یک نژاد یا قوم را یکسان بینگارند. در برابر، ممکن است تفاوت در استعداد و قابلیت یا کار برجسته را ملاک طبقه‌بندی قرار دهند و سایر تفاوتها را کنار بگذارند (همانجا). از این گذشته، در سیر تاریخی اندیشهٔ برابری، گاهی فقط یکسانی مالی و اقتصادی وجههٔ نظر بوده است، گاهی بر همسانی در برابر قانون تأکید می‌شده است، گاهی از برابری فرصتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و غیر آن سخن می‌گفته‌اند و گاهی به برابری پاداش در برابر کار، یکسان نظر داشته‌اند (همانجا).

در قرآن، حدیث، فقه و آرای دانشمندان مسلمان، نکاتی از جنبه‌های نظری دربارهٔ برابری و نیز مواردی از احکام فقهی ناظر به اندیشهٔ برابری دیده می‌شود. یکی از آیاتی که در این باره جلب توجه می‌کند، آیهٔ ۱۳ سورهٔ حجرات است که به نص آن، تفاوت‌های ظاهری و طبیعی بین انسانها، چه از نظر جنس و چه از

ص ۲۸۹، ۳۰۸؛ حکیمی، ج ۵، ص ۱۵۲-۱۶۵).
با اینهمه، این نگاه برابر به انسانها به منزله نادیده انگاشتن تفاوت‌های موجود در میان آنها از نظر استعداد، لیاقت، کوشش، ارائه کار مفید، پاداش و نیز نفی فضایل و برتری‌های فردی یا نفی درجات و مراتب اجتماعی نیست و به تعبیر برخی مؤلفان، نادیده گرفتن این نکته در واقع، ظلم به فرد و جامعه است (مطهری، ۱۳۶۱ ش، ص ۸۹-۹۲؛ منتظری، ج ۲، ص ۱۸۹؛ بغا، ص ۲۹۲؛ مدنی، ج ۷، ص ۹۹). از آن بالاتر، به گفته این مؤلفان تفاوت استعدادها و وجود رتبه‌ها و مقامات اجتماعی برای استقرار نظام اجتماعی اجتناب‌ناپذیر است. آیه ۳۲ سوره زُحُوف همین واقعیت را بیان می‌کند و در سخنان فلاسفه (برای نمونه - نصیرالدین طوسی، ص ۲۵۱: لَوْ تَسَاوَى النَّاسُ لَهَلَكُوا) نیز تصریحات و اشاراتی به این امر دیده می‌شود. مطهری (۱۳۶۱ ش، ص ۸۶-۸۹) بر همین اساس، مراد از برابری در عرصه زندگی اجتماعی را برابری در فرصتها و امکانات می‌داند تا هر کس به فراخور قابلیت و کوشش خود از این فرصتها بهره بگیرد.

در واقع، این بحث به این دیدگاه باز می‌گردد که برابری در نظام حقوقی و فقهی اسلام، تحت شعاع اصلی مهمتر و اساسیتر، یعنی عدالت قرار دارد؛ زیرا هدف نهایی از آمدن پیامبران و تنها عامل اصلاح جامعه از نگاه دینی تحقق قسط و عدالت اجتماعی است (برای آیات - سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۸-۴۲۰؛ منتظری، ج ۲، ص ۱۸۵-۱۸۷ و برای احادیث - حکیمی، ج ۶، ص ۳۲۴ به بعد).

هر چند، یکی از معانی واژه «عدل» و برخی مشتقات آن در لغت (- ابن فارس؛ طریحی؛ فیروزآبادی، ذیل «عدل») و قرآن کریم و احادیث (- راغب اصفهانی؛ طریحی؛ ابن منظور، ذیل همان واژه)، مساوات و برابری ذکر شده است و در احادیث متعددی این دو واژه با هم آمده‌اند (مانند «الْأَعْلَى عَدْلٌ وَ السَّوَاءُ» - کلینی، ج ۵، ص ۳۱؛ طوسی، ج ۶، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ «الْقِسْمُ بِالسُّوْيَةِ وَ الْعَدْلُ فِي الرُّعْيَةِ» - مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۰۶-۱۰۷، ۱۱۱، ج ۳۵، ص ۳۴۶) و گاهی واژه «عدل» به معنای برابری به کار رفته است (از جمله: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ...» - شهید ثانی، ج ۳، ص ۱۹۴؛ «وَ أَنْ يَقْسُمَ النَّظْرَ فِيمَا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ» - حکیمی، ج ۶، ص ۴۰۸ و موارد دیگر)، اما مفهوم عدالت در متون اسلامی و نیز نزد فلاسفه و حقوقدانان مسلمان عیناً مترادف برابری نیست بلکه عدالت به معنای دادن هر حقی به صاحب آن است (اعطاء کُلِّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۲۰۱ به بعد؛ نیز درباره منشأ ایجاد حق از نظر اسلام - همان، ص ۲۱۷-۲۱۸؛ مطهری، ۱۳۶۱ ش، ص ۴۴-۵۵). نهایت اینکه در شرایط یکسان،

نظر نسبت‌های خانوادگی، قبیله‌ای و نژادی، واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن فقط کمک به شناسایی افراد است (وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا؛ و شما را جماعتها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید). لذا این اختلافات نه همسانی جوهری انسانها را نفی می‌کند و نه می‌تواند ملاک ارزشگذاری، از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی باشد. به گفته مفسران، این آیه، بویژه بر نکوهش فخر فروشی و برتری طلبی طبقاتی، نژادی و نسبی تأکید کرده است (از جمله - طبرسی؛ فخر رازی؛ مراغی؛ طباطبائی، ذیل آیه). روایاتی نیز که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح مراد این آیه یا به صورت مطلق نقل کرده‌اند همین نگرش را افاده می‌کنند؛ از آن جمله است خطبه مشهور آن حضرت در حَجَّة الوداع در مِثَى (إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ، وَ أَدَمٌ مِنْ تَرَابٍ، لَيْسَ لِعَرَبٍ عَلَيَّ عَجَمِيٌّ فَضَّلْ إِلَّا بِالتَّقْوَى؛ ابن شعبه، ص ۲۹-۳۰؛ متقی، ج ۳، ص ۹۳) و نیز این جمله که همه مردم از دورترین زمان تاکنون، همچون دندانه‌های یک شانه با یکدیگر برابرند (ابن بابویه، ج ۴، ص ۳۷۹؛ مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۴۸؛ زُحَيْلِي، ج ۷، ص ۲۳۰). همچنین است تأکیدی که حضرت علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر بر همسانی انسانها از نظر آفرینش داشته‌اند (نهج البلاغه، نامه ۵۳). بنابر برخی احادیث، تشریح احکامی مانند قصاص* (مجلسی، ج ۱۰۱، ص ۳۸۸ به نقل از امام سجّاد) و عبادات اجتماعی چون حج (همان، ج ۴۸، ص ۱۴۱) به نقل از امام کاظم علیه السلام) از همین نگرش درباره برابری حقیقی انسانها برخاسته است.

مؤلفان و متفکران مسلمانی که در دهه‌های اخیر از برابری در اسلام بحث کرده‌اند، به این نکته توجه داده‌اند که وجود اصول اساسی و مهمی چون توحید در عبودیت (برای نمونه - آل عمران: ۶۴؛ نساء: ۳۶؛ انعام: ۱۰۲ و برای موارد دیگر - عبدالباقی، ذیل «عبد»)، انتساب همه انسانها به یک منشأ (زمر: ۶؛ نساء: ۱؛ اعراف: ۱۸۹، و انعام: ۹۸: «وَ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ») و مخلوق بودن همه آنها به دست یک آفریدگار (عبدالباقی، ذیل «خلق») که علاوه بر قرآن در حدیث (از جمله: حدیث حَجَّة الوداع در ابتدای مقاله؛ مجلسی، ج ۱۰، ص ۱۷۰ از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم: إِنِّي وَجَدْتُ أَصْلَ الْخَلْقِ التَّرَابِ ... خَلَقَهُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ) بارها مطرح شده است، و نیز «تکریم انسانها» (اسراء: ۷۰) که همگانی است (طباطبائی، ج ۱۳، ص ۱۵۵)، مقتضی برابری همه انسانها در برخورداری از زیر بنایی‌ترین حقوق فردی و جمعی، مانند حق حیات، امنیت مالی و جانی، حق تملک و تصرف و اکتساب، حق کار و استحقاق اجرت و سایر حقوق و آزادی‌های اساسی از دیدگاه اسلام است (سبحانی، ج ۲، ص ۴۹-۵۰، ۵۷-۵۸۲؛ بغا،

مقتضای عدالت، برابری در حقوق و تکالیف است (مطهری، ۱۳۶۱ ش، ص ۸۹؛ قس: ارسطو، ص ۳۱۳). همچنانکه در بسیاری موارد، لازمه عدالت نابرابری و تفاوت گذاشتن است (مطهری، ۱۳۶۱ ش، همانجا؛ منتظری، ج ۲، ص ۱۸۹).

بنابراین، از آنجا که برابری از نظر دانشمندان اسلامی از لوازم و شاخه‌های عدالت است (سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۶)، آنچه در مرحله وضع قوانین اهمیت می‌یابد تحقق عدالت حقوقی و ایجاد تعادل و تشابه میان حقوق، مسئولیتها و تکالیف هر فرد است نه برابری همه قوانین نسبت به تمامی افراد.

به عبارت دیگر، برابری در حقوق اسلامی را می‌توان در دو عرصه مورد توجه قرار داد: ۱) برابری افراد در برابر قانون موجود یا اجرای یکسان و بی تبعیض هر حکم قانونی نسبت به مصادیق موضوع آن؛ ۲) برابری احکام و قوانین نسبت به تمامی افراد به طوری که همه افراد و گروههای بشر مشمول قوانینی یکسان با عناوینی کلی و عام باشند و هر حکم قانونی بتواند بالقوه شامل هر فرد انسان شود.

فقا و متفکران مسلمان نسبت به وجود نوع نخست برابری در قانونگذاری اسلام تردید نکرده‌اند تا آنجا که برخی از آنان مراد از برابری و مساوات، یا دست کم مصداق بارز آن را منحصراً همین امر دانسته‌اند. نایینی (ص ۶۹-۷۱) برابری را اجرای یکسان و بدون تبعیض عناوین احکام، چه عناوین عام و مشترک میان همه افراد انسان و چه عناوین خاص نسبت به افراد موضوع خود دانسته است. از این گذشته، عده‌ای از مؤلفان، گستره برابری در فقه را فراختر از این شمرده و به عرصه دوم یعنی «یکسان بودن قوانین برای همه افراد» تعمیم داده‌اند. از جمله دلایل و شواهد اقامه شده بر وجود این نوع برابری در حقوق اسلامی، تعبیر عام قرآن و حدیث - (مانند: یا ایها الناس، یا ایها الذین آمنوا) و نیز شیوه کلی بیان احکام و تکالیف در منابع فقهی است (عوده، ج ۱، ص ۳۳۹، سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۶؛ بگا، ص ۲۸۹؛ قطب، ص ۴۹). این محققان، وجود مواردی از نابرابری حقوقی میان افراد و گروههای جامعه را، به دلیل برخی تفاوتها، بر پایه اصل مهم و بنیادین «عدالت» توضیح داده‌اند. برای مثال، به موجب فقه اسلامی، غیر مسلمانان مقیم در جامعه اسلامی از حقوق عام مدنی و اساسی، از قبیل حق مالکیت و تصرف، حق حیات، حق امنیت جانی و شغلی، حق دادخواهی از دادگاه برخوردارند (بنابر روایتی از حضرت علی علیه السلام: «لَهُ لَنَا وَ عَلَيْهِ مَا عَلَيْنَا مُسْلِمًا كَانِ أَوْ كَافِرًا» - حکیمی، ج ۱، ص ۳۸۱-۳۸۲). در پاره‌ای موارد نیز که میان احکام ویژه مسلمانان و اقلیت‌های دینی ادعای نابرابری شده است، مذاهب مختلف اسلامی اختلاف نظر دارند و بعلاوه، گاه این نابرابری به سود غیر مسلمانان است (در این باره و نیز برای مقایسه احکام

قصاص و کیفر فحشاء - عوده، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ زحیلی، ج ۶، ص ۴۲، ۲۶۹؛ شهید ثانی، ج ۱۰، ص ۵۴؛ نجفی، ج ۱۵، ص ۹۱). از آن مهمتر، یکی از ادله فقها درباره مواردی از این نابرابری، با استناد به آیه ۱۴۱ نساء، اصل عدم سلطه کافران بر مؤمنان است (و لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا - نجفی، ج ۱۵، ص ۹۱؛ زحیلی، ج ۸، ص ۱۳۴) و این لازمه جدی بقای جامعه دینی است.

همچنین فقها و محققان با بیان این نکته که در اسلام بر اشتراک و برابری زن و مرد در حیثیت انسانی و پاداش اخروی تأکید شده است، به برابری آن دو در قوانین ناشی از کرامت انسانی و قوانین عام مدنی و اساسی اشاره کرده و درباره احکام نابرابر در حق زن و مرد، با الهام از احادیث، به حکمت تشریح آن احکام توجه کرده این نابرابری را ناشی از تفاوت‌های غریزی و طبیعی - اعم از جسمی و روانی - میان آن دو دانسته‌اند. به عبارت دیگر، از نظر فقها وجود این تفاوتها لازمه عدالت است. به عقیده آنان ویژگیهای طبیعی، اعم از جسمی و روانی در هر یک از این دو جنس، موجب شده است که مرد در وظایفی مانند تأمین نفقه خانواده، جهاد، قضاوت، شهادت و طلاق نقش بیشتر یا انحصاری داشته باشد و در برابر، حق دخالت زن در حضانت* و تربیت فرزند و مادری افزایش یافته و در نتیجه حقوق آنان درباره ارث*، قصاص و دیه* نابرابر شده است (مطهری، ۱۳۵۷ ش، ص ۱۲۱ به بعد؛ قطب، ص ۵۳-۵۴؛ عوده، ج ۱، ص ۲۷-۲۸؛ مدنی، ج ۷، ص ۱۰۰). ازینرو، این محققان با یادآوری نقش تاریخی و اساسی اسلام در ایجاد برابری در حقوق بنیادین و تکالیف زن و مرد، مجموعه حقوق هر یک از آن دو و مسئولیتها و تکالیف آنها را برابر و متعادل دانسته‌اند (بقره: ۲۲۸: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» - عوده، ج ۱، ص ۲۷؛ مطهری، ۱۳۵۷ ش، ص ۱۱۲-۱۱۳؛ قطب، ص ۵۵-۵۴؛ و نیز - حقوق زن* -). در هر حال، گستره برابری در اسلام، هم شامل خود احکام و قوانین است و هم شامل اجرای قانون نسبت به مشمولان خود.

اصل برابری افراد از نظر کرامت انسانی و عدم رجحان جان، مال و حیثیت یک فرد بر فرد دیگر در گزارشهای روشنی که از سیره پیامبر بر جای مانده و در بسیاری از احکام فقهی مشهود است. احکام و مقررات در منابع فقهی و اصولی، به تبع آیات و احادیث، به صورت کلی و خطاب به تمامی افراد بشر، یا دست کم مسلمانان و مؤمنان، است و تنها در پاره‌ای احکام، به سبب برخی مصالح و به اقتضای عدالت، گروههایی خاص مورد خطاب قرار گرفته‌اند (به فرموده امام صادق علیه السلام: «لِأَنَّ حُكْمَ اللَّهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَفَرِيقَهُ عَلَيْهِمْ سِوَاءٌ إِلَّا مِنْ عِلَّةٍ أَوْ حَادِثٍ...» - مجلسی، ج ۲، ص ۲۸۰).

برابری خواهانه امیر مؤمنان، مهمترین عامل آزدگی اشراف و ثروتمندان عرب از ایشان و بر پا داشتن جنگ و گرویدن برخی از آنان به معاویه بود. حتی گاهی در مناظرات خود با آن حضرت به این امر تصریح می‌کردند و برابری عمومی را ناصواب می‌خواندند (ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۴۱؛ مجلسی، ج ۳۲، ص ۱۶، ۱۱۰).

فشار اجتماعی و سیاسی این اعتراضات چنان بود که برخی از یاران امام، با این استدلال که برابری عرب و غیرعرب خشم قریش را برانگیخته است، خواستار تجدید نظر در این شیوه شدند. اما امام در پاسخ به خواهش خیرخواهانه این گروه و نیز به منظور پیشگیری از تندرویه‌های اشراف عرب و بزرگان صحابه، با سخنرانی در مسجد، و استناد به قرآن و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، بر تداوم سیاست خود تأکید کرد (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶، نامه ۷۰؛ مجلسی، ج ۴۱، ص ۱۱۰-۱۱۱، ۱۱۶، ۱۲۲، ج ۷۵، ص ۹۶). به نقل برخی از مورخان، آن حضرت پس از پایان جنگ جمل، در تقسیم غنایم میان بردگان و غیربردگان تفاوتی نگذاشت (تستری، ج ۲، ص ۲۰۲)، بعلاوه، خواسته برخی یاران و خویشاوندان خود از جمله عقیل بن ابیطالب، عاصم بن میثم و عبدالله بن زمعه را در خصوص افزایش سهمشان از بیت‌المال نپذیرفت (نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴، ۲۳۲؛ تستری، ج ۲، ص ۲۱۶).

برخی از دانشمندان با استناد به سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام و احادیث (از جمله حدیثی از امام باقر علیه السلام - مجلسی، ج ۲۷، ص ۲۴۴)، رعایت و نظارت بر برابری در تقسیم اموال عمومی را از وظایف حاکم اسلامی دانسته‌اند (حرّ عاملی، ج ۱۵، ص ۱۰۵ به بعد؛ نجفی، ج ۷، ص ۵۹۳؛ حکیمی، ج ۶، ص ۳۰۹). به نظر بعضی نویسندگان (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ص ۲۳۲؛ حکیمی، ج ۵، ص ۱۵۱-۱۵۲، ج ۶، ص ۱۱۵، ۳۷۹) هر چند در اسلام نظریه برابری مالی افراد مطرح نشده است، می‌توان گفت با مقرر کردن حقوق برابر در اموال عمومی و نیز تشریح احکام حقوقی و اخلاقی مانند خمس، زکات و انفاق برای توانگران و اقدامات دیگر، اهدافی را پیگیری کرده است که به از میان رفتن فقر مادی و ایجاد برابری نسبی، بویژه از نظر امکانات و فرصتها می‌انجامد. در حدیثی از امام صادق علیه السلام (مجلسی، ج ۹۳، ص ۳۷۱) علت تشریح روزه ایجاد برابری میان اغنیا و فقرا دانسته شده است؛ همچنانکه یکی از ویژگیهای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه «تقسیم برابر اموال» (همان، ج ۵۱، ص ۲۹، ۸۱، ۸۴، ۹۲، ج ۵۲، ص ۳۵۱، ۳۸۵) ذکر شده است.

به موجب حدیث مشهور نبوی «التَّائِبُ شُرَكَاءُ» (یا: سَوَاءٌ) فی ثَلَاثٍ: التَّائِبُ وَ الْمَاءُ وَ الْكَلَاءُ - همان، ج ۶۳، ص ۴۴۶؛

همچنین در قرآن و احادیث، از برابری همه افراد، از زن و مرد، نزد خدا و نیز برابری پاداش و کیفر کارهای آنان سخن رفته است (از جمله: زلزال: ۸-۷. فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ ...؛ اعراف: ۱۴۷؛ سبأ: ۳۳؛ آل عمران: ۱۹۵؛ و بنا به روایتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم: كَلَّكُم فِي الْأَجْرِ سَوَاءً - مجلسی، ج ۹۳، ص ۲۶).

در سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت علی علیه السلام، و در احادیث و فقه اسلامی بر برخی از مصادیق برابری، چه در احکام چه در اجرای قانون، تصریح و تأکید خاص شده است، از جمله: برابری افراد در برخی حقوق و احکام اقتصادی (مانند سهم یکسان همگان از بیت‌المال) و مسئولیت و اختیارات سیاسی، لزوم اجرای یکسان و بی تبعیض قانون نسبت به مشمولان آن زیر نظر حاکم اسلامی، و برابری طرفین دعوا نزد قاضی در دادگاه. در منابع حدیثی و تاریخی نمونه‌هایی از سخنان و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره اعمال اصل برابری در تقسیم اموال عمومی دیده می‌شود؛ مانند تقسیم یکسان غنایم جنگی میان جهادگران در جنگها (تستری، ج ۲، ص ۲۰۲؛ مجلسی، ج ۱۹، ص ۲۱۱-۲۱۲، ج ۲۷، ص ۲۴۴، ج ۳۳، ص ۳۲۷). بنا به حدیثی، آیه ۵۸ سوره توبه درباره شخصی نازل شده است که مدعی بود حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اصل برابری را رعایت نمی‌کرده است (مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۸-۳۷). به طور کلی، رعایت برابری در تقسیم اموال بیت‌المال از اهم نکاتی است که در سیره حضرت رسول گزارش شده است (همان منابع؛ طوسی، ج ۶، ص ۱۴۶)؛ همچنانکه حضرت علی علیه السلام بارها در خطبه‌ها و مناظرات خود به سیره آن حضرت استناد جسته‌اند (ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۴۱؛ مجلسی، ج ۳۲، ص ۱۶). در سیره اجتماعی و سیاسی حضرت علی علیه السلام نیز اصرار و تأکیدی خاص به برابری حقوق افراد از بیت‌المال به چشم می‌خورد. او در خطبه خود به مناسبت درخواست مردم برای پذیرش منصب خلافت، بر لزوم استرداد اموال دنیاپرستان به بیت‌المال و اعطای حقی برابر با دیگران به آنان تأکید کرد (مجلسی، ج ۳۲، ص ۱۶-۱۳۳-۱۳۴؛ ابن ابی‌الحدید، ج ۷، ص ۳۵-۴۲) و پس از تصدی امر خلافت، در هنگام تقسیم اموال، به خزانه‌دارش، ابن ابی‌رافع*، دستور داد که سهم هر یک از مهاجران و انصار را به طور برابر سه دینار بپردازد. البته این نگاه برابر، از همان روز نخست با اعتراض برخی صحابیانی، که به استناد سوابق خود سهم بیشتری می‌خواستند، روبرو شد. به عقیده برخی دانشمندان (مجلسی، ج ۲۷، ص ۲۴۵؛ نایینی، ص ۳۲؛ تستری، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ ابن ابی‌الحدید، ج ۲، ص ۱۹۷-۱۹۸؛ مطهری، ۱۳۶۱ ش، ص ۱۷-۱۸) همین سیره

طوسی، ج ۷، ص ۱۴۶) تمامی مردم در آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها، چاهها و نیز گیاهان خودرو، از نظر اباحه و حَق بهره‌برداری، شریک و دارای حقوقی برابرند، و این اموال به فتوای بیشتر فقهای شیعه و عامه غیر قابل تملک و تملیک فردی است (نجفی، ج ۸، ص ۱۷۶، ۱۸۰؛ زحیلی، ج ۵، ص ۵۴۲، ۵۹۴، ۵۹۷؛ ابن قدامه مقدسی، ج ۴، ص ۲۱).

از دیگر مصادیق برابری در حقوق اسلامی، برابری افراد در برخی احکام سیاسی است. در منشوری، که پیامبر اسلام خطاب به مهاجران و انصار درباره چگونگی رفتار متقابل آنان با یهود اعلام کردند، تعبیراتی متضمن برابری مسلمانان با یکدیگر و با یهودیان، بویژه از نظر حرمت مال، جان و دین و نیز انجام مصالحه و معامله عادلانه و برابر با هم، وجود دارد. همچنین بخشی از این منشور (لَا يُسَالِمُ مُؤْمِنٌ دُونَ مُؤْمِنٍ فِي قِتَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا عَلَى عَدْلِ و سَوَاءٍ؛ طوسی، ج ۶، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ کلینی، ج ۵، ص ۳۱؛ نیز برای منابع اهل سنت - مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۶۸-۱۷۰، پانویس به نقل از السیره النبویه ابن هشام) دال بر حق مشارکت برابر فرد مسلمانان در تصمیم‌گیری برای مصالحه با دشمن است؛ هر چند انعقاد پیمان مصالحه به عهده امام یا نایب اوست (نجفی، ج ۷، ص ۶۵۱؛ زحیلی، ص ۴۳۷). بلاوه، فقهای شیعه و اهل سنت به استناد قرآن (توبه: ۶) و احادیث (از جمله: ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةٌ يَسْعَى بِهَا أَدْنَاهُمْ... يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ - حر عاملی، ج ۱۵، ص ۶۶-۶۹؛ طوسی، ج ۶، ص ۱۴۰؛ کلینی، ج ۵، ص ۳۰؛ زحیلی، ج ۶، ص ۴۳۲) و نیز سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم چنین نظر داده‌اند که هر یک از مسلمانان - زن یا مرد، برده یا غیر برده، و حتی کودک ممیز به نظر برخی مذاهب - در هنگام جنگ می‌تواند با انعقاد عقد امان* با افراد معدودی از کافران (کمتر از ده نفر)، آنان را پناه دهد (برای شرایط و تفصیل مطلب - شمس الاثمه سرخسی، ج ۱۰، ص ۷۲؛ ابن قدامه، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛ زحیلی، ج ۶، ص ۴۲۹-۴۳۷؛ نجفی، ج ۷، ص ۵۳۶ به بعد).

همچنین از آنجا که وجود تبعیض و نابرابری در اجرای قوانین، موجب سستی قانون و نقض غرض از قانونگذاری و آثار نامطلوب دیگر می‌شود (سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۰)، در فقه بر رفع تبعیضها و اختلافات ناروا و اجرای برابر قانون نسبت به همه افراد جامعه سخت تأکید شده است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم، به منظور ایجاد روح برابری در میان مردمی که غرق در امتیازطلبیهای قبیله‌ای و نژادی و فخر و شویهای دوران جاهلیت بودند، به اقداماتی اساسی مبادرت کردند، از جمله اصرار بر اصل برابری در اجرای قانون (به فرموده علی علیه‌السلام: «عَمَّمْتُ حَتَّى صَارَ النَّاسُ فَيْك

سواءً - نهج البلاغه، خطبه ۲۳۵؛ مجلسی، ج ۲۲، ص ۵۲۷؛ نیز درباره نامه سلمان به عمر در این خصوص - مجلسی، ج ۲۲، ص ۳۶۰) و رد هر گونه میانجیگری برای تعلیق اجرای احکام کیفری، از جمله درباره کیفر سرقت زنی از اشراف قریش، کیفر دزدی کنیز همسرشان ام سلمه (بخاری جعفی، ج ۴، ص ۲۱۳؛ حر عاملی، ج ۲۸، ص ۴۲). اقدامات دیگر آن حضرت، ایجاد پیوند خانوادگی بین افراد قبایل و خانواده‌های مختلف با طبقات اجتماعی متفاوت بود، مانند پیشنهاد ازدواج جوئیر فقیر و سیاه‌پوست با ذلفاء دختر زید بن کلبی، از بزرگان و ثروتمندان مدینه، که آن حضرت در برابر تعجب جوئیر از این پیشنهاد، برابری و همسانی افراد بشر را در منشأ و اصل آفرینش یادآور شدند (مجلسی، ج ۲۲، ص ۱۱۸-۱۱۹؛ کلینی، ج ۵، ص ۳۳۹-۳۴۱)؛ اقدام به خواستگاری و تزویج دختر عمه خود زینب برای زید بن حارثه، که فرزند خوانده آن حضرت بود، و موارد بسیار دیگر. زحیلی (ج ۷، ص ۲۴۴-۲۴۵) با بر شمردن شماری از این پیوندهای ازدواج، شرط بودن «کفائت* در نسب» (خویشاوند بودن زوجین) را در عقد نکاح انکار و نیز در صحت روایاتی که دال بر برتری قریش بر سایر مردم عرب یا عرب بر عجم است، مناقشه کرده است. حتی معدودی از فقهای اهل سنت با استناد به ادله برابری، کفائت را نه شرط صحت ازدواج شمرده‌اند و نه شرط لزوم آن (همان، ص ۲۳۰)؛ همچنانکه فقهای امامی، کفو بودن را تنها از نظر همدین بودن شرط می‌دانند (مغنیه، ص ۴۲؛ شهید ثانی، ج ۵، ص ۲۳۴-۲۳۶).

به نوشته مطهری (۱۳۶۱ ش، ص ۹۸-۹۹)، جنبه‌های مختلفی از سیره پیامبر مانند نشستن در مجالس به صورت دایره و به دور از تشریفات، نشستن بر روی خاک، انجام کارهای شخصی با دست خود و جز اینها - علاوه بر جنبه اخلاقی و تواضع - از نظر آثار اجتماعی و تأثیر آن بر رفع تمایزات ناپسند و ایجاد برابری قابل تأمل است. همچنانکه در احادیث، تأثیر متقابل برابری اجتماعی بر برادری و همبستگی اجتماعی و نیز نقش آن در اصلاح اخلاق ناپسند فردی و اجتماعی چون تکبر، عصبان و کینه‌جویی تصریح شده است (همان، ص ۶۹-۷۱؛ حکیمی، ج ۵، ص ۱۰۷-۱۰۹؛ نیز برای احادیث - مجلسی، ج ۶۶، ص ۱۳، ج ۷۱، ص ۲۲۶-۲۲۷، ج ۸۹، ص ۲۴۹).

بنا به متون تاریخی و حدیثی، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم و حضرت علی علیه‌السلام بارها تصریح کرده‌اند که حتی اگر نزدیکترین افراد به آنان مانند فرزندانشان مرتکب خلاف قانون بشوند، از شمول قوانین و کیفر مستثنی نخواهند بود (برای سخن آن حضرت درباره دخترشان فاطمه سلام‌الله‌علیها - بخاری جعفی، ج ۴، ص ۲۱۳-۲۱۴؛ ناینی، ص ۳۱-۳۲) و برای سخن حضرت علی علیه‌السلام درباره امام حسن و امام

طوسی، ج ۷، ص ۱۴۶) تمامی مردم در آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها، چاهها و نیز گیاهان خودرو، از نظر اباحه و حَق بهره‌برداری، شریک و دارای حقوقی برابرند، و این اموال به فتوای بیشتر فقهای شیعه و عامه غیر قابل تملک و تملیک فردی است (نجفی، ج ۸، ص ۱۷۶، ۱۸۰؛ زحیلی، ج ۵، ص ۵۴۲، ۵۹۴، ۵۹۷؛ ابن قدامه مقدسی، ج ۴، ص ۲۱).

از دیگر مصادیق برابری در حقوق اسلامی، برابری افراد در برخی احکام سیاسی است. در منشوری، که پیامبر اسلام خطاب به مهاجران و انصار درباره چگونگی رفتار متقابل آنان با یهود اعلام کردند، تعبیراتی متضمن برابری مسلمانان با یکدیگر و با یهودیان، بویژه از نظر حرمت مال، جان و دین و نیز انجام مصالحه و معامله عادلانه و برابر با هم، وجود دارد. همچنین بخشی از این منشور (لَا يُسَالِمُ مُؤْمِنٌ دُونَ مُؤْمِنٍ فِي قِتَالٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِلَّا عَلَى عَدْلِ و سَوَاءٍ؛ طوسی، ج ۶، ص ۱۴۰-۱۴۱؛ کلینی، ج ۵، ص ۳۱؛ نیز برای منابع اهل سنت - مجلسی، ج ۱۹، ص ۱۶۸-۱۷۰، پانویس به نقل از السیره النبویه ابن هشام) دال بر حق مشارکت برابر فرد مسلمانان در تصمیم‌گیری برای مصالحه با دشمن است؛ هر چند انعقاد پیمان مصالحه به عهده امام یا نایب اوست (نجفی، ج ۷، ص ۶۵۱؛ زحیلی، ص ۴۳۷). بلاوه، فقهای شیعه و اهل سنت به استناد قرآن (توبه: ۶) و احادیث (از جمله: ذِمَّةُ الْمُسْلِمِينَ وَاحِدَةٌ يَسْعَى بِهَا أَدْنَاهُمْ... يَسْعَى بِذِمَّتِهِمْ أَدْنَاهُمْ - حر عاملی، ج ۱۵، ص ۶۶-۶۹؛ طوسی، ج ۶، ص ۱۴۰؛ کلینی، ج ۵، ص ۳۰؛ زحیلی، ج ۶، ص ۴۳۲) و نیز سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم چنین نظر داده‌اند که هر یک از مسلمانان - زن یا مرد، برده یا غیر برده، و حتی کودک ممیز به نظر برخی مذاهب - در هنگام جنگ می‌تواند با انعقاد عقد امان* با افراد معدودی از کافران (کمتر از ده نفر)، آنان را پناه دهد (برای شرایط و تفصیل مطلب - شمس الاثمه سرخسی، ج ۱۰، ص ۷۲؛ ابن قدامه، ج ۱۰، ص ۴۳۲؛ زحیلی، ج ۶، ص ۴۲۹-۴۳۷؛ نجفی، ج ۷، ص ۵۳۶ به بعد).

همچنین از آنجا که وجود تبعیض و نابرابری در اجرای قوانین، موجب سستی قانون و نقض غرض از قانونگذاری و آثار نامطلوب دیگر می‌شود (سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۰)، در فقه بر رفع تبعیضها و اختلافات ناروا و اجرای برابر قانون نسبت به همه افراد جامعه سخت تأکید شده است.

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم، به منظور ایجاد روح برابری در میان مردمی که غرق در امتیازطلبیهای قبیله‌ای و نژادی و فخر و شویهای دوران جاهلیت بودند، به اقداماتی اساسی مبادرت کردند، از جمله اصرار بر اصل برابری در اجرای قانون (به فرموده علی علیه‌السلام: «عَمَّمْتُ حَتَّى صَارَ النَّاسُ فَيْك

احادیث و مدارک آن - نجفی، ج ۱۴، ص ۸۳-۸۴؛ زحیلی، ج ۶، ص ۵۰۰) گفته‌اند که رعایت برابری میان طرفین دعوا در اموری مانند اجازه ورود به دادگاه، محل نشستن، ایستاده یا نشسته بودن و نیز درباره رفتار قاضی با آنان از جمله سلام دادن، پاسخ سلام گفتن، اشاره، نگاه، استماع سخنان آنان و هر گونه توجه نسبت به آن دو بر قاضی واجب است. شماری از فقها نیز به استحباب این کارها نظر داده‌اند (زحیلی، ج ۶، ص ۴۹۹-۵۰۱؛ الموسوعة الفقهية، ج ۱۱، ص ۳۵۷-۳۵۸؛ شهید ثانی، ج ۳، ص ۷۲؛ نجفی، ج ۱۴، ص ۸۳-۸۵).

در سنت و احادیث پیشوایان دین علیهم السلام، و به تبع آن در فقه، درباره اصل رعایت برابری در رفتار اجتماعی، از جمله در زمینه‌های آموزشی و تربیتی، نکات فراوانی آمده که بعضی درخور اشاره است: یکسان نگرستن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به یاران خویش (کلینی، ج ۲، ص ۶۷۱) و یکسان گوش دادن به سخنان و اظهارات ایشان (- مجلسی، ج ۱۶، ص ۱۵۳)؛ توصیه کردن ایشان به رعایت برابری در آموزش کودکان (طوسی، ج ۶، ص ۳۶۴) و نیز درباره بخشش و هدیه به آنها و وجوب یا استحباب آن بنابر مذاهب مختلف (شهید ثانی، ج ۳، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ الموسوعة الفقهية، ج ۱۱، ص ۳۵۹-۳۶۰)؛ و وجوب تقسیم برابر زکات میان گروه‌های هشتگانه بنابر برخی مذاهب اهل سنت (الموسوعة الفقهية، ج ۱۱، ص ۳۵۵-۳۵۶)؛ و نیز - زکات*).

منابع: علاوه بر قرآن؛ ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، مصر ۱۹۵۹-۱۹۶۴؛ ابن‌بابویه، من لایحضره الفقیه، قم ۱۳۶۳ ش؛ ابن‌شعبه، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، بیروت ۱۳۹۴/۱۹۷۴؛ ابن‌فارس، معجم مقاییس اللغة، بیروت ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ ابن‌فداه، المغنی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن‌فداه مقدسی، الشرح الکبیر، در ابن‌فداه، المغنی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ابن‌منظور، لسان العرب، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران ۱۳۵۸ ش؛ محمدبن اسماعیل بخاری جعفی، صحیح البخاری، استانبول ۱۹۸۱؛ مصطفی بغا، بحوث فی نظام الاسلام، چاپ خالد بن ولید، دمشق ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ محمدتقی تستری، بهج الصباغة فی شرح نهج البلاغة، تهران ۱۳۹۰-۱۴۰۰؛ محمدبن حسن حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم ۱۴۰۹-۱۴۱۲؛ محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، و علی حکیمی، الحیاة، تهران ۱۳۵۸-۱۳۶۸ ش؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، گروه حقوق و علوم سیاسی، درآمدی بر حقوق اسلامی، تهران ۱۳۶۸ ش؛ حسین‌بن محمد راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سید کیلانی، تهران ۱۳۳۲ ش؛ وهبه مصطفی زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق ۱۴۰۹/۱۹۸۹؛ جعفر سبحانی، مفاهیم القرآن فی معالم الحكومة الاسلامیة، قم ۱۳۶۴ ش؛ محمدبن احمد شمس الاثم سرخسی، کتاب العیسوط، بیروت ۱۴۰۶/۱۹۸۶؛ زین‌الدین بن علی شهید ثانی، الروضة البهیة فی

حسین علیهما السلام - نهج البلاغة، نامه ۴۱، و درباره یکی از دختران خود - طوسی، ج ۱۰، ص ۱۵۱). بعلاوه، آنان چه بسا احکام الهی را ابتدا درباره خود یا نزدیکانشان اجرا می‌کردند و سپس درباره دیگران (برای نمونه - سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۴) و هیچ امتیازی برای خود قایل نبودند؛ در این باره اعلام آمادگی رسول اکرم در روزهای آخر عمر برای ادای حقوق احتمالی مردم (طبری، ج ۲، ص ۲۲۷، سبحانی، ج ۲، ص ۴۱۳) و نیز حضور حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت خود نزد قاضی به موجب ادعای کذب یک یهودی (که منجر به اسلام آوردن او شد - مجلسی، ج ۴۱، ص ۵۶-۵۷) در خور ذکر است. به گفته برخی نویسندگان (مطهری، ۱۳۶۱ ش، ص ۵۴؛ لویون، ص ۱۵۹، ۷۶۴؛ بغا، ص ۳۰۹-۳۱۰؛ زحیلی، ج ۷، ص ۲۴۵) رعایت اصل برابری میان مردم عرب و تازه مسلمانان غیرعرب یکی از عوامل مهم جذب مردم و ملتها به اسلام بوده است.

همچنین حضرت علی علیه السلام ضمن التزام عملی خود به اصل برابری در اجرای قانون و عدم پذیرش هرگونه میانجیگری در این زمینه (از جمله اجرای حد شرب خمر بر نجاشی علی رغم اعتراض نزدیکان او - مجلسی، ج ۳۳، ص ۲۷۲-۲۷۳، ج ۴۱، ص ۹)، به خلفای وقت (درباره توصیه به خلیفه دوم - طوسی، ج ۶، ص ۲۲۷) و نیز کارگزاران خود (از جمله: مالک اشتر، اسودبن قطبة و خذیفه - نهج البلاغة، نامه ۵۳، ۵۹؛ مجلسی، ج ۲۸، ص ۸۸) نسبت به رعایت این اصل درباره آحاد مردم، حتی در اموری مانند نگاه، اشاره و سلام کردن سفارش می‌کردند (- نهج البلاغة، نامه ۲۷، ۴۶؛ مجلسی، ج ۳۳، ص ۵۴۰) و در موارد اعمال تبعیض، با توبیخ آنان، خواستار جبران خسارات وارده می‌شدند؛ از جمله مَصْفَلَةَ بن هُبَيْرَةَ شیبانی، حاکم اردشیر خرّه (فیروزآباد فارس)، برای تقسیم قیّه* میان خویشاوندانش (نهج البلاغة، نامه ۴۳) و نیز مؤاخذه خزانه‌دارشان، ابن ابی رافع، در ماجرای عاریه دادن گردنبندی از بیت‌المال به یکی از دختران امام (- طوسی، ج ۱۰، ص ۱۵۱).

بنا به احادیث و فقه (نهج البلاغة، نامه ۵۰، ۵۹؛ مجلسی، ج ۳۲، ص ۴۱۶، ج ۷۲، ص ۳۵۴، ۳۵۶؛ منتظری، ج ۲، ص ۱۹۰؛ سبحانی، ج ۲، ص ۴۰۹؛ زحیلی، ج ۶، ص ۷۱۹)، حاکم اسلامی مکلف به رعایت برابری در اجرای قوانین نسبت به عموم افراد با قطع نظر از نژاد، رنگ، زبان، وابستگی قبیله‌ای و خانوادگی، غنا و فقر، مقام اجتماعی و حتی نیکوکار یا بدکار بودن افراد است، و این از حقوق مردم بر والی است.

از مصادیق بارز برابری در فقه، برابری طرفین دعوا در برابر دادگاه و قاضی است. فقهای عامّه و بعضی فقهای امامی با استناد به احادیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت علی علیه السلام (قُلُوبُاسِ بَيْنَهُمْ فِي الْإِشَارَةِ وَ النَّظَرِ...؛ برای

نفیتی). علاوه بر این شهرها ۱۲۵ دهکده کوچک نیز در ۲۴ منطقه روستایی این ولایت قرار دارد.

از بلندترین قله‌های آلبانی قله «پارتیزانی» است با ۲۴۱۶ متر ارتفاع در رشته کوه تومور^۳ که در این ولایت قرار گرفته است. بر قله این کوه قلمه‌ای هست که از نظر مسلمانان آلبانی مقدس شمرده می‌شود و گویند قدمگاه حضرت ابوالفضل علیه السلام است. دشتهای برات به طور عمده در قسمت شمال غربی واقع شده‌اند. در دره‌های اصلی آن رودهای اوسوم^۴، ولابیش^۵ و لاپاردا^۶ جریان دارند. آب و هوای برات مدیترانه‌ای است با میانگین دمای سالانه ۱۵٫۵ (میانگین دمای سردترین ماه سال ۷٫۲- و گرمترین ماه ۲۴٫۶) درجه سانتیگراد. سردترین دما در این ولایت ۱۱٫۲- و گرمترین دمای آن ۴۳٫۹ درجه سانتیگراد در شهر کوچوا ثبت شده است که در عین حال گرمترین دمای مطلق در تمام کشور است. میانگین سالانه بارندگی در این ولایت (که بیشتر در زمستان صورت می‌گیرد) به ۹۲۸ میلیمتر می‌رسد. میانگین ارتفاع در همه نواحی استان ۴۵۵ متر است.

زمینهای کشاورزی ولایت برات عمدتاً از نوع خاک قهوه‌ای است. جنگلها و بوته‌زارها ۲۱٫۵٪ و مراتع ۷٫۵٪ مساحت استان را پوشانده‌اند. منابع آب زیرزمینی عمده ولایت، آب سرد کوههای تومور و آبهای لوزای و پل نفتی است. تولیدات



بنیاد دایرةالمعارف اسلامی

برات

شرح اللمعة الدمشقية، چاپ محمد کلانتر، نجف ۱۳۸۷/۱۹۶۷؛ محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت ۱۳۹۰.۱۳۹۴/۱۹۷۱.۱۹۷۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ هاشم رسولی محلاتی و فضل الله یزدی طباطبائی، بیروت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت ۱۴۰۸؛ فخرالدین بن محمد طریحی، مجمع البحرین، تهران ۱۳۶۵؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، چاپ حسن موسوی خراسان، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱؛ محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، قاهره ۱۳۶۴؛ علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، نهج البلاغه، چاپ صحیحی صالح، قاهره ۱۴۱۱/۱۹۹۱؛ عبدالقادر عوده، التشریح الجنائی الاسلامی مقارناً بالقانون الوضعی، بیروت [بی تا]؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، قاهره، [بی تا]، چاپ افست تهران [بی تا]؛ محمد بن یعقوب فیروزآبادی، القاموس المحیط، بیروت ۱۴۰۷/۱۹۸۷؛ سید قطب، العدالة الاجتماعیة فی الاسلام، مصر ۱۳۷۷/۱۹۵۸؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱؛ گوستاو لوبون، تمدن اسلام و عرب، ترجمه هاشم حسینی، تهران ۱۳۶۴؛ علی بن حسام الدین منقی، کنز العمال، ج ۳، چاپ صفوة سقا، بیروت ۱۴۰۵/۱۹۸۵؛ محمد باقر بن محمدتقی مجلسی، بحارالانوار، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ جلال الدین مدنی، حقوق اساسی در جمهوری اسلامی ایران، ج ۷: حقوق و آزادیهای افراد ملت، تهران ۱۳۶۹؛ احمد مصطفی مراغی، تفسیر المراغی، بیروت ۱۹۸۵؛ مرتضی مطهری، بیست گفتار، قم ۱۳۶۱؛ همو، نظام حقوق زن در اسلام، قم ۱۳۵۷؛ محمد جواد مغنیه، الاحوال الشخصیة علی المذاهب الخمسة، بیروت ۱۹۶۴؛ حسینعلی منتظری، ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة، قم ۱۴۰۸؛ الموسوعة الفقهیة، کویت ۱۴۰۸/۱۹۸۸؛ محمد حسین نایینی، تنبیه الائمة و تنزیه الملة، یا، حکومت از نظر اسلام، به ضمیمه مقدمه و باصفحه و توضیحات بقلم محمود طالقانی، تهران ۱۳۶۱؛ محمد حسن بن باقر نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۲؛ محمد بن محمد نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، چاپ مجتبی مینوی و علیرضا حیدری، تهران ۱۳۶۰؛

Dictionary of the history of ideas, ed, Philip P. Wiener, New York 1973, s.v. "Class" (by Lewis A. Coser), "Equality" (by R. R. Palmer).

/ رضا هاشمی /

برات (۱)، ولایت و شهری در آلبانی.

(۱) ولایت برات. در قسمت جنوبی آلبانی و در منطقه

کوهستانی واقع شده و مشتمل است بر سه شهر با مرکزیت شهر برات و دو شهر دیگر به نامهای کوچوا^۱ و اورا و یگو^۲.